# ۳ مصدوم در تصادف زنجیره‌ای ۸ خودرو

تصادف زنجیره‌ای هشت دستگاه خودرو در بزرگراه شهید همت به مصدومیت سه نفر منجر شد.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران به جام‌جم گفت: ساعت ۹ دقیقه بامداد سه‌شنبه، تصادف زنجیره‌ای چند خودرو در مسیر غرب به شرق بزرگراه شهید همت، نرسیده به خروجی اتوبان شهید مدرس به آتش‌نشانی گزارش شد و نیروهای امدادی به محل اعزام شدند. آتش نشانان پایتخت در بررسی‌های اولیه مشاهده کردند یک دستگاه کامیون کمپرسی و هفت دستگاه خودروی سواری از جمله پژو پرشیا، پژو ۲۰۶، پراید، امویام، سمند و... باهم تصادف کردند. همچنین معلوم شد قبل از حضور آتش‌نشانان سرنشینان خودرو پیاده شده‌اند.

نشت بنزین، شکستگی شیشه‌ها و خسارت برخی از خودروها سنگین بود؛ به طوری که یکی از خودروها به سمت گاردریل منحرف شده و با آن برخورد کرده بود. یک کودک شش ساله، یک زن جوان ۲۵ ساله و مرد ۳۰ ساله‌ای مصدوم و راهی بیمارستان شدند.

جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
چهارشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۱ شماره ۶۲۷۰

# ۲۴۰ دقیقه در انتظار معجزه

## هشت عضو خانواده پس از ۴ ساعت وحشت و دلهره از سیلاب نجات پیدا کردند

محمد غمخوار
دبیرگروه حوادث

**از زمانی که فهمیدند سیل در حال نزدیک شدن به آنها است، فقط دو دقیقه فرصت داشتند خود را نجات دهند. فقط ۳۰ نفر از اعضای خانواده قوهستانی نجات پیدا کردند و هشت نفر دیگر گرفتار سیل شدند. آنها به‌سختی خود را به تنه درختی در میان رودخانه رسانده و ۲۴۰ دقیقه بالای آن ایستادند تا نیروهای امدادی سراغ‌شان بیایند و آنها را نجات دهند. مهدی قوهستانی در گفت‌وگو با جام‌جم به تشریح چهار ساعت دلهره و وحشتی که همراه مادر و شش عضو خانواده‌اش بالای تنه درخت تجربه کرده بودند، پرداخت.**

**آن روز احتمال می‌دادید، سیل بیاید؟**

نه. هوا آفتابی و نسبت به روزهای قبل گرم‌تر بود. ما اهل خیر ماهفرخان هستیم، روز حادثه نیز ۳۸ نفر از فامیل به‌اتفاق هم کنار رودخانه رودبال رفتیم. حجم آب کم بود و وسط رودخانه منطقه‌ای شبیه جزیره درست شده بود که آنجا اتراق کردیم. بچه‌ها داخل رودخانه آب‌تنی می‌کردند و همه چیز آرام بود. کسی فکر نمی‌کرد سیل بیاید.

**چطور از سیل با خبر شدید؟**

حدود ساعت شش عصر بود که مردی خودش را به کنار رودخانه رساند و در حالی که سراسیمه بود، فریاد می‌زد؛ «سیل داره میاد، فرار کنید» از زمانی که او هشدار داد تا وقتی سیل به ما رسید، حدود دو دقیقه زمان داشتیم.

**حرفش را باور کردید؟**

شرایطش طوری نبود که به او شک کنیم، سراسیمه و نگران بود. التماس می‌کرد از رودخانه بیرون بیایید.

**شما چه کردید؟**

همان‌طور که گفتم ما ۳۸ نفر بودیم که حدود ۳۰ نفر را توانستیم به کناره رودخانه برسانیم. آنجا باغی بود که افراد حاضر در کنار رودخانه حفاظ آن را بریده و وارد آنجا شدند. هشت نفر مانده بودیم که ناگهان سیل را در چند متری خود دیدیم. تنه درختی حدود دو متری در وسط آب بود که خود را به آن رسانده و بالای آن ایستادیم.

**همه مرد بودید؟**

نه. سه نفر مرد همراه یک دختر پنج‌ساله و چهار زن دیگر بالای درخت گرفتار شده بودیم. حجم آب در مدت کوتاهی به ارتفاع حدود دو متری رسید و پای‌مان در آب بود. هیچ امیدی برای زنده ماندن نداشتیم. باور کنید حالا که به آن شرایط فکر می‌کنم، زنده ماندنمان یک معجزه بود. در دو ساعت اول وقوع سیل هیچ امدادگری نمی‌توانست به ما نزدیک شود و تنها راه نجات‌مان استفاده از بالگرد بود. حجم بالایی از آب همراه گل و لای و چوب به سمت پایین حرکت می‌کرد و اگر در آن می‌افتادی، هیچ راه برگشتی نبود.

**در فیلم‌های منتشرشده از حادثه، خودروها و افرادی در آب دیده می‌شوند، شما هم با این صحنه‌ها روبه‌رو شدید؟**

ببینید ما بالادست رود خانه بودیم و اغلب افرادی که قربانی سیل شدند، در پایین‌دست بودند که دیر متوجه شدند. اگر آن جوان فداکار نبود، شاید ما هم زنده نمی‌ماندیم. فقط در این مدت یک پیرمرد و دو کودک را دیدیم که در رودخانه افتاده بودند که با کمک افرادی که کنار رودخانه بودند، نجات پیدا کردند. افرادی هم به کنار رودخانه آمده و نشانی گمشده‌شان را می‌دادند و از ما می‌پرسیدند او را دیده‌ایم یا نه.

**چه مدت در آن وضعیت بودید؟**

چهار ساعت.

**چطور نجات پیدا کردید؟**

وقتی حجم آب کمتر شد، امدادگران سراغ‌مان آمدند و با طناب‌کشی ما را از آنجا به کنار رود خانه انتقال دادند.

برای دیدن فیلم نجات اعضای خانواده از میان سیل کیوآرکد را اسکن کنید

## مرگ ۱۰ عضو یک خانواده در سیل

این روزها در کوچه پس کوچه‌های آب انارک شهرستان استهبان فقط صدای شیون و زاری به گوش می‌رسد. سیل روز جمعه در رودبال جان ۱۰ نفر از اهالی این روستا را گرفت. خانواده ملک‌حسینی قرارگذاشتند روز جمعه برای تفریح کنار رودخانه بروند اما عزادار ۱۰ نفر از اهالی روستا و بستگان‌شان شده‌اند.

حسین ملک‌حسینی از اهالی روستای آب‌انارک به جام‌جم می‌گوید: « یکی از اقوام حادثه‌دیده ما گفت آن روز، بخشی از رودخانه را زنانه و مردانه کردیم تا همه به راحتی آبتنی کنند. زمانی‌که سیل جاری شد، چون مسیر رودخانه پیچ در پیچ بود دید مستقیم نداشتیم و متوجه سیلاب نشدیم. فقط یک لحظه دیدم سیل در حال بردن بچه‌های ماست. در آن شرایط، به سرعت دست به کار شدم و تعدادی از آنها را بیرون کشیدم، اما بقیه گرفتار و متاسفانه غرق شدند.

بعضی از مردان‌مان به دلیل شکستگی دست و پا وگردن هنوز در بیمارستان بستری هستند و شرایط خوبی ندارند.» برادر او در ادامه می‌گوید:« من دو برادرزاده شش و هشت ساله و دو زن برادرانم را در این حادثه از دست دادم که یکی از آنها باردار بود. پنج نفر از اعضای خانواده پسرعمه‌ام نیز در این حادثه فوت شدند.

خانواده ما، اولین خانواده‌ای بود که در مسیر سیلاب قرار داشت و کسی نبود که آمدن سیل را به آنها اطلاع دهد. خودشان هم زمانی متوجه سیل شدند که فقط چند متر با آن فاصله داشت وهمه گرفتار شدند. بعد از این‌که از حادثه باخبر شدم، تصمیم گرفتم به آنجا بروم. با این‌که فاصله روستای ما تا محل حادثه فقط ۱۵ دقیقه است، اما به خاطر ترافیک شدیدی که وجود داشت، نیم ساعت زمان برد تا به آنجا برسیم. اهالی روستای آب انارک می‌گویند سازمان هواشناسی فارس نباید به اطلاع‌رسانی مجازی بسنده کند.

چون کشاورزان فرصت بررسی فضای مجازی را ندارند و شاید گوشی هم نداشته باشند. وظیفه آنهاست که شرایط جوی را به اطلاع دهیاران روستاها برسانند.

### صحنه‌ای تلخ

استهبان کمرا

یکی از تلخ‌ترین صحنه‌های تلخ سیل رودبال مربوط به مادری بود که برای نجات کودکش، او را در آغوش گرفته بود و جسدش در حالی که هنوز فرزندش را در آغوش گرفته بود، پیدا شد.



## قتل با ادعای فرار از سلطه سیاه

پسر جوان که دوستش را در مکانیکی کشته‌بود، در جلسه دادگاه مدعی شد برای فرار از سلطه‌های سیاه او مرتکب قتل شده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از مرداد سال گذشته و با گزارش کشته شدن پسرجوانی به نام امین در یک مغازه مکانیکی در شرق تهران آغاز شد. ماموران با حضور در محل با جسد خونین امین که با ضربه‌های جسم سخت به سرش کشته شده‌بود، روبه‌رو شدند.

صاحب تعمیرگاه در تحقیقات گفت: امین و دوستش فرید شب‌ها در تعمیرگاه می‌خوابیدند که بعد از قتل، فرید ناپدید شد. با این اظهارات، فرید تحت تعقیب ماموران قرار گرفت و دستگیر شد. او در تحقیقات گفت: به خاطر فرار از سلطه سیاه امین او را کشتم.

با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و متهم در شعبه دهم دادگاه کیفری پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند و فرید با قبول اتهامش گفت: امین مرا آزار داده و از صحنه آن فیلم گرفته‌بود. او با این فیلم به من زور می‌گفت و شب حادثه قصد داشت دوباره آزارم دهد که با میله آهنی چند ضربه به سرش زدم و فرار کردم. من قصد کشتن او را نداشتم و بعد از فرار متوجه مرگش شدم. پس از دفاعیات متهم، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

## گوش مالی تاجر سرشناس با دستور دختر جوان

دختر جوان برای انتقام از مرد مورد علاقه‌اش، سه مرد را اجیر کرد تا او را گوش مالی بدهند.

به گزارش خبرنگار جام جم، نیمه دوم تیرماسال تاجر ۴۰ ساله سرشناسی با حضوردر شعبه هفتم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از سه آدمربا و زنی شیاد شکایت کرد و گفت: سه ماه قبل در مهمانی شبانه دوستم با شیوا آشنا شدم و چند بار با هم ملاقات کردیم. کم‌کم به هم علاقه‌مند شدیم و قصد ازدواج داشتیم. وقتی به مراکز خرید، فروشگاه، مانتو و لباس‌فروشی و حتی طلافروشی می‌رفتیم، به بهانه این‌که کارت‌هایش را جا گذاشته، مجبورم می‌کرد خریدهایش را حساب کنم. مدتی گذشت و پول‌هایم را پس نداد. هدفش علاقه نبود و اخاذی بود.

وی افزود: از رفتارش خسته شده و او را برای همیشه ترک کردم اما او مدعی بود دلباخته‌ام است و نباید از او جدا شوم. بعد هم شروع به تهدید کرد که جدی نگرفتم. چند روز قبل در مسیر خانه به محل کارم، خودروی پژو با سه سرنشین با خودرویم تصادف کرد. به نظر می‌رسید، به عمد به خودرویم زدند. سرنشینان خودرو بعد به من حمله کردند و مرا ربودند و با انداختن در خودرویشان بردند. دوساعت گروگان آنها بودم، به‌شدت کتکم زدند، کارت بانکی‌ام را گرفته و هشت میلیون تومان اینترنتی از آن برداشت کردند. بعد مرا حوالی خودرویم بیرون انداختند و گفتند اگر شکایت کنم دوباره سراغم می‌آیند و مرا به طرز هولناکی می‌کشند.

با شکایت او تحقیقات ادامه یافت و پی بردند، پول سرقت شده به حساب یک مرد معتاد واریز و بعد برداشت شده است. با شناسایی او و آغاز تحقیقات معلوم شد کارتش را ۵۰۰ هزارتومان به فردی اجاره داده است.

در ادامه با بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف محل تصادف، شماره پلاک خودروی آدمربایان به دست آمد و دو نفرشان دستگیر شدند. متهمان پس از انتقال به شعبه هفتم بازپرسی دادسرای جنایی تهران، در تحقیقات گفتند: زنی که آشنای یکی از دوستانمان بود سراغمان آمد و مدعی شد مردی مزاحمش می‌شود. تصور کردیم حرف‌هایش واقعیت دارد و به همین علت با او همراه شدیم. یک هفته شاکی را زیر نظر داشتیم تا این‌که در فرصتی با ایجاد تصادف ساختگی او را ربودیم. هشت میلیون از حسابش برداشت و بعد رهایش کردیم.

محسن اختیاری، بازپرس شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف دو متهم، همدست دیگرشان و زن اجیرکننده تحت تعقیب قرار گرفتند.



### خفگی در آب، جان ۲ دختر را گرفت

## گودال مرگ

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

با این‌که طغیان شدید رودخانه سرباز در سیستان‌وبلوچستان تلفاتی نداشت و جان هیچ‌کس را نگرفت، ولی در بشاگرد استان هرمزگان، یک گودال آب حادثه آفرید و دو دختر ۱۳ و ۱۴ ساله اهل روستای پوسمن بخش گوهران بشاگرد در آن غرق شدند. حادثه‌ای که بعدازظهر روز دوشنبه سوم خرداد در حوالی یک سد رخ داد و دو خانواده را عزادار کرد.

فاطمه احمدی‌نسب و زینب چمل‌پور، دو دختری هستند که در گودال زیر سد در روستای پوسمن غرق شدند. فاطمه ۱۳ سالش بود و زینب هم ۱۴ ساله و با هم قوم‌وخویش بودند.

محمود احمدی‌نسب، پدر فاطمه با این‌که داغدار دخترش است، از حادثه بعدازظهر روز دوشنبه برای جام‌جم توضیح می‌دهد: «دیروز فاطمه و زینب و چند نفر دیگر از بچه‌ها برای گردش، تفریح و لذت‌بردن از مناظر اطراف با هم از خانه بیرون رفتند. البته بچه‌های ما هیچ‌وقت از این کارها نمی‌کردند و نمی‌دانم چه شد که تصمیم گرفتند با بچه‌های روستا بیرون بروند که این اتفاق رخ داد. دخترها در مسیر خود به سدی رسیدند که به دلیل سرازیر شدن آب از آن بالا، زیرش یک گودال ۴ -۳ متری درست شده و پر از آب بود. با این‌که در خانه حمام داریم اما چون آب گودال خیلی تمیز و شفاف بود، دخترها تصمیم گرفتند در آب حمام کنند که ناگهان پایشان سر خورد و درون گودال افتادند. بچه‌های دیگر که همراه‌شان بودند، ترسیدند به آنها کمک کنند. ساعت ۳ بعدازظهر بود که دخترها داخل گودال افتادند و بچه‌هایی که همراه‌شان بودند ساعت ۴ موضوع را به ما خبر دادند که خیلی دیر شده بود.» پدر پس از اطلاع از ماجرا، به‌سرعت خودش را به محل حادثه رساند. یک ساعت از سقوط بچه‌ها به گودال عمیق آب گذشته و زمان طلایی برای بیرون کشیدن آنها ازدست رفته‌بود. با این‌حال پدر، هر دو دختر را از آب خارج کرد اما هیچ‌کدام دیگر جانی در بدن نداشتند.

دهیار روستای پوسمن هم درباره این حادثه به جام‌جم گفت: «اولین بار است که چنین حادثه‌ای در روستایمان رخ می‌دهد و پیش از این سابقه نداشت. با این‌که در این محل، تابلوی «شنا ممنوع» وجود دارد اما متاسفانه هر دو کودک پس از ورود به آن غرق شدند.»

درحالی‌که در فضای مجازی خبر غرق‌شدن این دو دختر در سیلاب منتشر شده بود، محسن ذاکری، بخشدار گوهران بشاگرد استان هرمزگان نسبت به این خبر واکنش نشان داد و در تشریح این حادثه گفت: «در این مکان نه بارندگی وجود داشت و نه سیلابی رخ داده بود، بلکه هر دو کودک بر اثر بی‌احتیاطی در این گودال آب افتادند اما نتوانستند خود را نجات دهند و در اثر غرق‌شدگی جان باختند.»



## چاه آب، جان ۳ عضو خانواده را گرفت

معصومه ملکی
گروه حوادث

آوردن آب برای دختر خردسال از چاه کشاورزی، جان پدر، پدربزرگ و شوهر خاله‌اش را گرفت. نقص فنی موتور برق باعث جمع شدن دود در چاه و گازگرفتگی این سه نفر شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، مرد جوانی به نام حامد عصر دوشنبه سوم مرداد امسال وارد چاه آب کشاورزی روستای دشت آب شهرستان باخرز استان خراسان رضوی شد تا آب بیاورد و تشنگی خانواده‌اش رفع شود اما دچار گازگرفتگی شد. بعد از آن‌که دو نفر از اعضای خانواده وی، یکی پس از دیگری برای نجات هم وارد چاه شدند آنها نیز دچار گازگرفتگی شده و هر سه فوت شدند.

محمد افضلی معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی شهرستان باخرز به جام‌جم گفت: ساعت ۱۸ و ۲۰ دقیقه عصر دوشنبه، با تماس چند نفراز اهالی در محل حادثه حضور یافتیم و مشاهده کردیم چاه کشاورزی عمقی حدود ۸ متری داشته که چند متر از آن را آب پر کرده است. بعد از ۱۵ دقیقه عملیات، حادثه‌دیدگان را بیرون آوردیم و تحویل اورژانس دادیم که بعد از انتقال به بیمارستان فوت شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد این چاه با موتور برق بوده که خوب عمل نکرده و با تولید گاز سمی و انتشار آن به داخل چاه باعث شده پدر و پسر و باجناق پسرجوان دچار گازگرفتگی شوند و فوت کنند.

قاسم، دایی این خانواده داغدار همراه بقیه خانواده و اهالی روستای دشت آب در سوگ آنها نشسته‌اند. او که برای تحویل اجساد برای خاکسپاری به پزشکی قانونی رفته و به سختی می‌توانست حرف بزند به خبرنگار جام‌جم گفت: یکی از فوت شدگان، شوهرخواهرم اکبربود. او دو دختر داشت و حامد تنها پسرخواهرم بود. حامد ازدواج کرده و دختری ۸ ساله و پسری ۶ ساله دارد. مسعود باجناق حامد، سومین نفری بود که فوت شد. او نیز متاهل بود و سه فرزند از وی به یادگار مانده است. اکبر و پسرش در روستای دشت آب زندگی می‌کردند اما مسعود در روستای مجاور ساکن بود. سوم مرداد امسال حامد همراه همسر و دو فرزندش و پدرش برای هرس علف‌های هرز به زمین کشاورزی‌شان رفته بودند. هنگام عصر دختر حامد تشنه شد. حامد سمت چاه کشاورزی قدیمی رفت تا آب بیاورد. او با ورود به چاه دچار گازگرفتگی شد و با رمقی که برایش مانده بود، درخواست کمک کرد. همسرش بالای چاه رفته و با فریادهای کمک خواهی این زن، پدر شوهرش متوجه حادثه شده و وارد چاه شد که او هم بیرون نیامد. عروس خانواده در ادامه با شوهر خواهرش در روستای مجاور تماس گرفت و کمک خواست. مسعود خودش را به روستا رساند. چند رهگذر و چوپان آنجا خواستند مانع ورود مسعود به چاه شوند اما او برای نجات باجناقش و پدر او وارد چاه شد و بالا نیامد. با کمک آتش‌نشانان آنها را از چاه خارج کردیم و به بیمارستان انتقال دادیم اما در آنجا فوت شدند.

سه قربانی حادثه

## هلاکت ۶ شرور مسلح در درگیری با پلیس کرمان

فرمانده انتظامی استان کرمان از درگیری شب گذشته ماموران پلیس با سوداگران مرگ که به هلاکت شش شرور مسلح منجر شد، خبر داد و گفت: طی این درگیری، سرهنگ دوم علی برزگرپور به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

به گزارش جام‌جم، سردار عبدالرضا ناظری در تشریح این عملیات گفت: شامگاه دوشنبه سوم مرداد ماه ماموران تیم گشت پایگاه شهید خواجویی بهرامجرد از توابع کرمان، هنگام بررسی خودروهای عبوری به دو دستگاه خودروی پژو پارس و وانت مشکوک و به راننده خودروها دستور ایست دادند که هر دو راننده با افزایش سرعت از محل متواری شدند و بلافاصله ماموران اقدام به تعقیب آنها کردند.

وی افزود: طی عملیات تعقیب و مراقبت ماموران با توقیف خودروی وانت، ۶۹۷ کیلوگرم موادمخدر شامل، ۵۰۸ کیلو و ۵۰۰ گرم تریاک و ۱۸۸ کیلو و ۴۱۰ گرم حشیش کشف و یک قاچاقچی را دستگیر کردند و در ادامه در پی اعزام تیم کمکی از پلیس مرکز استان به محل درگیری، سرنشینان خودروی پژو پارس اشرار اقدام به تیراندازی به سمت ماموران کردند که در مواجهه با آتش سنگین ماموران، عرصه را بر خود تنگ دیده و به سمت محورکرمان - بم متواری شدند. با توجه به سابقه شرارت و ناامنی این اشرار در منطقه جنوب شرق کشور، ماموران جان بر کف پلیس کرمان تمام توان خود را برای دستگیری این اشرار به کار گرفتند و سرانجام با تعقیب و مراقبت و آتش پرحجم ماموران در حوالی سه راهی راین، شش شرور به هلاکت رسیدند. طی این عملیات علاوه بر موادمخدر کشف شده، سه قبضه سلاح کلاش، ۱۷ قبضه خشاب و مقادیر زیادی فشنگ جنگی کشف و پنج مامور پلیس مجروح و سرهنگ دوم علی برزگرپور به درجه رفیع شهادت نائل آمد. وضعیت مصدومان مساعد اعلام شده است.

شهید علی برزگرپور